

بررسی رابطه بین ضرایب مالیاتی و افشاء گزارشات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

قدرت ا... طالب نیا^۱

نرگس رستمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۵

چکیده

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات به افراد برون سازمانی به روش معتبر و به موقع می‌باشد، که این امر در سایه افشاء با کیفیت اطلاعات مالی صورت می‌گیرد. یکی از استفاده کنندگان گزارشات مالی، دولت است که جهت تشخیص مالیات از آن گزارشات استفاده می‌کند. این تحقیق به بررسی رابطه بین ضرایب مالیاتی و میزان افشاء گزارشات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در مرحله اول، به منظور تعیین میزان افشاء صورتهای مالی که در این تحقیق در راستای تعیین مقدار متغیر وابسته لازم است چک لیست میزان افشاء تنظیم و برای هر شرکت یک نمره یا شاخص افشاء تعریف می‌شود. در مرحله دوم، اطلاعات مربوط به متغیرهای کنترل نظیر نسبت کل بدهیها به کل داراییها و لگاریتم کل داراییها محاسبه و استخراج می‌گردد. در مرحله سوم، ضرایب مالیاتی هر شرکت با توجه به نوع محصولات یا خدمات آنها محاسبه و تعیین می‌گردد. سپس در این تحقیق از تحلیل رگرسیون چند متغیره بر اساس داده‌های تابلویی جهت بررسی رابطه ضرایب مالیاتی با میزان افشاء در صورتهای مالی طی سالهای ۱۳۸۳ لغایت ۱۳۸۷ استفاده می‌شود. نمونه تحقیق شامل ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد بین ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری گزارشات مالی رابطه معنادار معکوسی وجود دارد، یعنی هرچه ضرایب مالیاتی بیشتر باشد میزان افشاء اجباری کمتر می‌شود.

واژه های کلیدی: افشاء اختیاری، افشاء اجباری، ضرایب مالیاتی، گزارشگری مالی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
۲- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

افشای اطلاعات حسابداری از دیرباز به عنوان یکی از مهمترین مسائل، مورد توجه محققان بوده و محصول نهایی یک سیستم حسابداری به شمار می‌رود. در واقع هدف نهایی سیستم حسابداری فراهم نمودن اطلاعات برای اشخاص ذینفع در قالب گزارشات درون سازمانی و برون سازمانی می‌باشد. واژه افشاء به مجموعه ای متنوع از اطلاعات الزامی و اختیاری، شامل صورتهای مالی و یادداشت های همراه اطلاق می شود. همچنین اطلاعات افشاء شده برای دولت‌ها جهت تشخیص مالیات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تشخیص مالیات زمانی که اسناد و مدارک کافی برای تعیین مالیات وجود نداشته باشد، از ضرایب مالیاتی جهت تشخیص مالیات استفاده می‌شود.

سند چشم انداز بیست ساله دولت جمهوری اسلامی ایران در بخش اقتصادی در بند ۴۲، بر حرکت برای تبدیل درآمد نفت و گاز به دارایی مولد به منظور پایدارسازی فرآیند توسعه و تخصیص و بهره بردای بهینه از منابع تاکید خاص کرده است که این امر توجه برنامه‌ریزان را به سایر منابع درآمد غیر نفتی دولت که در رأس آن مالیات، به عنوان منبع درآمدی قابل اطمینان قرار دارد، نمایان می‌کند.

در ماده ۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر لزوم توسعه افزایش سهم درآمدهای نفتی (مالیاتها و سایر درآمدها) از کل منبع بودجه تاکید شده به گونه‌ای که تا پایان برنامه چهارم، اعتبارات هزینه‌ای دولت به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تامین شود. در این راستا دولت می تواند با برنامه‌ریزی و سیاست گذاری سازمان امور مالیاتی کشور در تعیین ضرایب مالیاتی باعث ایجاد مکانیزمی شود که نسبت به تعیین درآمد مشمول مالیات واقعی و مالیات عادلانه مودی از طریق تحقیق و رسیدگی تصمیم گیری نماید، همچنین مودی را هرچه بیشتر به ارائه دفاتر و اسناد و مدارک جهت رسیدگی متمایل سازد.

مالیات یکی از مهمترین منابع دولت به شمار می‌رود که از اعصار گذشته تا به حال با توجه به تحول وظایف دولتها اهمیت روز افزونی داشته است. تا زمانی که وظایف دولت محدود به تامین امنیت و حفاظت از محدوده جغرافیایی بود، به تبع آن هزینه ها در سطح پایین قرار داشت اما با گذشت زمان و تحولات بوجود آمده در زمینه های مختلف اقتصادی، نقش دولت پرنرنگتر و وظایف آن بیشتر شد، و مالیات به عنوان منبع مهمی از درآمد دولت برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و هدایت مطرح گردید.

دولت‌ها با ایجاد قوانین مالیاتی جهت اخذ مالیات و جمع‌آوری و هدایت آن در جهت سرمایه‌گذاری زیربنایی در واقع نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفاء می‌کنند که مکمل فعالیت‌های بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری می‌باشد. مالیات در یک نگاه ابزاری در خدمت درآمد دولت است. اما در نگاهی دقیق‌تر، سیاست‌های مالیاتی را نشان می‌دهد که ابزار موثر و کارآمدی در توسعه مسیر اقتصادی و ایجاد سمت و سوی پویا و مولد برای اقتصاد کشور است. سیاست‌های مالیاتی بر رفتار عاملان اقتصادی، به خصوص شرکتها تاثیر می‌گذارند. تصمیمات مربوط به فعالیت‌های عملیاتی شرکت ممکن است در نتیجه تغییر قوانین و مقررات مالیاتی باشد. در نتیجه، شناخت این تعاملات می‌تواند از نظر مدیریت سودمند باشد. مدیران با شناخت این تعاملات می‌توانند در مسائل مربوط به افشای اطلاعات مالی، تقسیم سود، سرمایه‌گذاری‌ها و پرداخت بدهیهای شرکت، تصمیمات بهینه‌ای را اتخاذ نمایند. با توجه به توضیحات بالا تغییر در ضرایب مالیاتی که توسط قانون‌گذاران مالیاتی در سطح کلان انجام می‌شود باعث تغییر در سیاست‌های شرکتها و سیاست‌های سرمایه‌گذاران می‌شود. شرکتها با در نظر گرفتن نیازهای سهامداران و سرمایه‌گذاران و برنامه‌های بلندمدت شرکت برای انجام سرمایه‌گذاری و یا سیاست‌های دیگری، تصمیمات لازم را برای میزان افشای اطلاعات مالی در جهت اجرای سایر سیاستها اتخاذ نمایند.

لذا این تحقیق درصدد آن است که رابطه بین ضرایب مالیاتی با متغیرهایی از قبیل افشای اختیاری یا افشای اجباری در شرکت‌های تولیدی و خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۸۳ تا ۸۷ را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. پیداست که نتایج تحقیق می‌تواند راهنمای عملی برای مقامات قانونی، دولت، مدیران شرکتها و سایر استفاده‌کنندگان قرار بگیرد و همچنین راه‌گشایی برای تحقیقات آتی قرار بگیرد.

۲- بیان مسئله

به منظور کاهش وابستگی کشور به درآمدهای نفتی ناگزیر از افزایش وصول مالیات هستیم. وصول بهینه و واقعی مالیات نه تنها درآمد مالیاتی دولت را افزایش می‌دهد بلکه عدالت مالیاتی را نیز باعث می‌شود. عدالت مالیاتی اقتضاء می‌کند که افراد با درآمد بالاتر، مالیات بیشتری پرداخت نمایند. در تشخیص مالیات به صورت علی‌الرأس این عدالت به نوعی بوسیله ضرایب مالیاتی اعمال می‌شود.

دقیق بودن ضرایب مالیاتی و مطابقت آن با سود واقعی مودیان، عدالت مالیاتی را به همراه خواهد داشت و همچنین باعث کاهش هزینه‌های وصول می‌گردد.

ضرایب مالیات بر درآمد، جزئی از عوامل مهم تعیین کننده برای افشای گزارشات مالی به حساب می‌آیند. رابطه بین ضرایب مالیاتی و افشای گزارشات مالی ممکن است باعث شود که شرکتهایی که مالیات را از طریق اجتناب مالیاتی کاهش می‌دهند و یا به دنبال فرار مالیاتی هستند تصمیمات متخاصمی را در گزارشات مالی خود اتخاذ کنند و به صورت گزینشی گزارش نمایند که منجر به کاهش مالیات نسبت به حالت واقعی خواهد شد. از منظر مدیران شرکتهای، کاهش مالیات می‌تواند عامل انگیزه بخش پر قدرتی برای مدیریت باشد تا اهداف مالی شرکت را به شیوه مقرون به صرفه ای محقق سازد (تایلور، ۲۰۱۰: ۱۰).

در حقیقت در نظام مالیاتی ایران، مالیات بر اشخاص حقوقی که به صورت پایه مالیات بر شرکتهای معرفی می‌شود، تصویری از مالیات بر درآمد ناخالص را نشان می‌دهد. در طول دهه های گذشته برقراری مالیات بر شرکتهای در نظام مالیاتی ایران همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. این مشکلات عمدتاً در تعیین ضرایب مالیاتی و جمع آوری مالیات بر شرکتهای مطرح بوده است. به دلیل برخورداری از تنوع زیاد و مشکلات تعیین درآمد، هزینه و سود شرکتهای عملاً وضعیتی به وجود می‌آید که در تعیین ضرایب مالیاتی دقت و تمرکز کافی صورت نگیرد و در نتیجه رسیدن به درآمدهای مالیاتی مطلوب در هاله ای از ابهام قرار گیرد (مقیمی نیا، ۱۳۸۷: ۱۰).

این تحقیق به دنبال بررسی این مسائل است:

- ۱- آیا ضرایب مالیاتی در میزان افشای اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی تاثیر دارد یا خیر؟
- ۲- آیا ضرایب مالیاتی در میزان افشای اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی تاثیر دارد یا خیر؟
- ۳- آیا ضرایب مالیاتی در میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی تاثیر دارد یا خیر؟
- ۴- آیا ضرایب مالیاتی در میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی تاثیر دارد یا خیر؟

۳- چارچوب نظری تحقیق

اولین مرحله در توسعه و گسترش دانش، مفاهیم نظری و تجربی است و ابهام در گسترش دانش از به کاربردن این مفاهیم به صورت غلط است که ممکن است مفاهیم با گزاره‌های یکسان برای افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد. لذا افراد برای ایجاد یا انتقال دانش می‌بایست از مفاهیم دقیق و روشن استفاده نمایند. برداشت یکسان از مفاهیم نیز نیاز به تعریف دارد.

به عقیده کاس^۱ مالیات عبارت از وجوهی است که هیئت حاکم به موجب تعاون ملی به منظور تامین هزینه‌های دوایر دولتی و پرداخت بدهی‌های عمومی از پرداخت‌کننده مالیات مطالبه می‌نماید. سیستم مالیاتی مجموع قوانین و مقررات سازمانی و فرهنگ مالیاتی می‌باشد که همانند هر سیستمی دیگر شامل داده پردازش ستاده می‌باشد. داده در سیستم مالیاتی شامل قوانین و منابع مختلف مالیاتی و غیر مالیاتی، پردازش سیستم برنامه ریزی، مدیریت سازماندهی و اصول مالیاتی می‌باشد. هدف از پردازش داده‌های مالیاتی کسب ستاده می‌باشد که عبارتست از نیل و بسط و گسترش عدالت اجتماعی در سایه استقلال اقتصادی تامین درآمد و توزیع مالیاتی است.

بنابراین دولت بر اساس قوانین و مقررات مصوب آن را اخذ می‌نماید در این صورت آگاهی از میزان تاثیر مالیات بر افشای گزارشات مالی به دولت کمک خواهد کرد که در موقعی که اصلاحاتی در قوانین مالیاتی کشور در ارتباط با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی صورت می‌پذیرد تصمیمات لازم را اتخاذ کنند چرا که اثرات متفاوتی بر افشای گزارشات مالی خواهد داشت.

الگوی تحقیق حاضر برگرفته از مقاله ای است که توسط تایلور و همکاران در سال ۲۰۱۰ در کشور استرالیا با عنوان «تاثیر ساختارهای بین المللی بر طرح های افشای مالی شرکتها» ارائه شده است، این تحقیق در ۱۱۱ شرکت وابسته به منابع طبیعی حاضر در بورس اوراق بهادار استرالیا طی ۴ سال انجام گرفته است و داده ها از این شرکتها جمع آوری گردیده است.

قلمرو موضوعی: تاثیر ضرایب مالیاتی بر افشای گزارشات مالی شرکتها

قلمرو مکانی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

قلمرو زمانی: دوره زمانی متصور در این پژوهش شرکت‌های مذکور در فاصله زمانی بین سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۷ می‌باشد.

۳-۱- سوالات و فرضیات تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی این مسئله است که آیا ارتباط معناداری بین ضرایب مالیاتی با افشای گزارشات مالی شرکتها وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال فرضیه های تحقیق به این ترتیب تدوین می گردد:

فرضیه اصلی اول

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشای اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۲- اهداف تحقیق

هدف علمی

استفاده مقامات مسئول مالیاتی در مورد تعیین ضرایب مالیاتی با توجه به نتایج تحقیقات به منظور رشد اقتصادی کشور

اهداف کاربردی

- ۱- دولت عموماً می تواند با تغییر در ضرایب مالیاتی باعث ایجاد مکانیزمی شود که نسبت به تعیین درآمد مشمول مالیات واقعی و مالیات عادلانه مودی از طریق تحقیق و رسیدگی اتخاذ تصمیم شود، همچنین مودی را بیشتر به ارائه دفاتر و اسناد و مدارک جهت رسیدگی متمایل سازد.
- ۲- استفاده از نتایج آن در برنامه ریزی و سیاست گذاری سازمان امور مالیاتی کشور در جهت بهبود روشهای شناسایی و وصول درآمدهای مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد.
- ۳- تعیین ارتباط بین ضرایب مالیاتی و میزان افشای گزارشگری مالی شرکتها

۳-۳- حدود مطالعاتی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق

این تحقیق شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

قلمرو زمانی تحقیق

تحقیق در دوره زمانی انجام تحقیق از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ صورت گرفته است.

۳-۴- روش تحقیق

این تحقیق، یک تحقیق تجربی در حوزه تحقیق های اثباتی حسابداری است که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و توصیفی همبستگی است که در آن برای تایید یا رد فرضیات از اطلاعات تاریخی شرکتها و روشهای آماری استفاده خواهد شد.

در روش علمی، باید تعریف مسئله و ساختار مفهومی، پیش از ایجاد فرضیه یا انجام آزمون های تجربی، به وجود آمده باشد. ساختار نظری باید سازه ای در راستای شناسایی متغیرهای مستقل و وابسته و گزینه ارتباط بین این متغیرها را پیشنهاد کنند. این تحقیق تلاش می کند رابطه بین ضرایب مالیاتی

را به عنوان متغیر مستقل و افشای گزارشات مالی شرکت‌ها را به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهد.

میزان افشای اسناد مالی، با استفاده از شاخص FIDIjt اندازه گیری می‌شود که متشکل از ۹۴ آیتم افشای اسناد مالی می‌باشد. این چک لیست گسترده بر مبنای تحقیقات موجود و تمهیدات حسابداری تعیین می‌شود. برای هر آیتم افشاء شده از سوی شرکت در گزارش سالانه، امتیاز دویبخشی یک تعیین می‌گردد و در غیر این صورت امتیاز صفر مد نظر قرار می‌گیرد. امتیاز برای تمامی سالها محاسبه می‌شود و برای این منظور تمامی آیتم‌های اطلاعاتی افشاء شده با هم جمع و تقسیم بر حداکثر تعداد آیتم‌های قابل افشاء می‌گردند. تخصیص امتیازها قطع نظر از پیوستار اطلاعات مرتبط با ویژگی‌های خاص در گزارش سالانه صورت می‌گیرد. به عنوان مثال یک سطر یا یک صفحه از اطلاعات با امتیاز یک مشخص می‌شود. امتیاز FIDIjt به صورت ریاضیاتی چنین طرح می‌گردد:

$$FIDIjt = \text{کل آیتم‌های افشاء شده} / \text{حداکثر تعداد آیتم‌ها}$$

در اینجا $FIDIjt =$ شاخص افشای اسناد مالی برای شرکت j در دوره t

به عنوان معیار سنجش، میزان افشای اسناد مالی دارای دو محدودیت مهم می‌باشد. در این مطالعه، سوگیری بالقوه‌ای بوجود می‌آید زیرا بسیاری از شرکت‌های افشاء کننده به صورت فعالانه از یک سند مالی خاص استفاده نمی‌کنند یا آرایش مالی خاصی را به کار نمی‌برند از اینرو قابلیت کاربردی این اطلاعات مشکل ساز می‌گردد. اما اگرچه بعضی از شرکت‌ها از اسناد مالی خاصی استفاده نمی‌کنند اما آنها دلایل عدم کاربرد این اسناد را افشاء نموده و از اینرو اطلاعات مرتبط با آرایش یا اسناد مالی خاص را عرضه می‌دارند. مشکل قابلیت کاربردی با تمرکز بر شرکت‌های استخراجی حل شده که در داد و ستد تامینی مشارکت داشتند و با انواع ریسک‌های مالی مواجه بودند. دومین محدودیت مهم مربوط به عینی بودن اطلاعات است. بعضی از اسناد مالی برای شرکت‌های جامعه آماری قابل کاربرد هستند اما افشاء نشده‌اند یا بر مبنای عینیت معاملات و رویدادهای مرتبط به اسناد مالی به صورت جزئی اعلام می‌کردند.

فرضیات و محدودیت‌های فوق‌الذکر مشکلات رایجی در مطالعات پیشین درباره افشاء بوده‌اند و کیفیت مطالعه را مخدوش نمی‌کنند. در مجموع این مطالعه نشانگر تحلیل جامع عواملی است که بر افشاء اسناد مالی تاثیر می‌گذارند.

۳-۵- فرضیات تحقیق

فرضیه عبارت است از حدس، ظن، گمان یا توضیح آزمایش نشده پژوهشگر در رابطه بین دو یا چند متغیر، رفتار، پدیده یا واقعه معینی که به وقوع پیوسته یا هنوز اتفاق نیفتاده است. فرضیه در حقیقت پیش بینی یا انتظار پژوهشگر درباره چگونگی رابطه بین متغیرها، رفتارها و یا حادثه‌های مورد مطالعه است. بدون شک فرضیه ابزار نیرومند و با اهمیت یک پژوهش علمی است که پژوهشگر به کمک آن به جستجوی یک تبیین می پردازد «اری» و همکارانش (۱۹۷۲) چهار هدف برای تبیین فرضیه عنوان کرده اند (خاکی، ۱۳۷۸: ۶).

۱- فرضیه برای پدیده ها تبیین آزمایشی فراهم می آورد و موجب افزایش معرفت علمی می شود.

۲- فرضیه جمله‌ای است که به صورت ربطی بیان می شود و به توصیف رابطه بین متغیرها می پردازد.

۳- فرضیه مجموعه فعالیت‌های اجرائی پژوهش را تعیین می کند.

۴- فرضیه چارچوبی برای گزارش نتایج پژوهش فراهم می آورد. با عنایت به نقش با اهمیت فرضیه در پژوهش‌های علمی، چارچوب تحقیق حاضر بر اساس فرضیات مطرح شده در ذیل استوار می باشد.

فرضیه اصلی اول

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد .

فرضیه فرعی دوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

۳-۶- مدل تحلیلی تحقیق

سؤال اصلی تحقیق بر این قرار است که آیا ارتباط معناداری بین ضرایب مالیاتی و افشاء گزارشات مالی شرکتها وجود دارد؟ ضرایب مالیاتی را می توان از طریق برخی متغیرها از جمله متغیر مستقل تحقیق حاضر بیان نمود.

رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای آزمون فرضیات به کار می رود. در ابتدا مدل چند متغیره ای برای آزمون رابطه میان متغیرهای مستقل، وابسته و کنترل تدوین شده برای هر کدام از سالهای مورد مطالعه، تخمین مدل زیر بدست آمد:

$$MFIDI_{jt} = \alpha + \beta_1 ITSe_{jt} + \beta_2 FSize_{jt} + \beta_3 Lev_{jt} + \beta_4 SubInd_{jt} + \varepsilon$$

$$DIFIDI_{jt} = \alpha + \beta_1 ITSe_{jt} + \beta_2 FSize_{jt} + \beta_3 Lev_{jt} + \beta_4 SubInd_{jt} + \varepsilon$$

۳-۷- طبقه بندی متغیرهای تحقیق

الف) متغیر وابسته، متغیری است که هدف محقق، تشریح یا پیش بینی تغییرپذیری در آن است. به عبارت دیگر، متغیر وابسته یک متغیر اصلی است که به صورت مسئله ای حیاتی برای تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد. با تجزیه و تحلیل متغیر وابسته و شناسایی عوامل موثر بر آن، می توان پاسخ ها و راه حل هایی را برای مسئله شناخت. محقق به تعیین مقدار و اندازه گیری این متغیر و متغیرهای دیگری که بر این متغیر تاثیر می گذارند علاقه مند است(خاکی، ۱۳۸۶: ۷۵).

در مدل تحقیق متغیرهای وابسته به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{MFIDijt} = \text{شاخص افشاء اجباری اسناد مالی برای شرکت } j \text{ در سال } t$$

$$\text{DIFIDijt} = \text{شاخص افشاء اختیاری اسناد مالی برای شرکت } j \text{ در سال } t$$

ب) متغیر مستقل، شرایط یا خصایصی هستند که محقق در عمل، آنها را برای اثبات ارتباطشان با پدیده مورد مشاهده دستکاری می‌کند (خاکی، ۱۳۸۶: ۷۶). در مدل تحقیق متغیر مستقل به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{ITSejt} = \text{ضرایب مالیات برای شرکت } j \text{ در سال } t$$

ج) متغیرهای کنترل، در یک تحقیق اثر تمام متغیرها را بر یکدیگر نمی‌توان به طور همزمان مورد مطالعه قرار داد بنابراین محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل نموده و یا آنها را خنثی می‌کند، این نوع متغیرها، متغیر کنترل نامیده می‌شود (همان منبع: ۸۰). در مدل تحقیق متغیرهای کنترل به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{FSizejt} = \text{لگاریتم طبیعی کل داراییها؛}$$

$$\text{Levj} = \text{نسبت کل بدهیها به کل داراییها؛}$$

$$\text{SubIndjt} = \text{شرکت با اشتغال در بخش تولید یا خدمات در سال } t \text{ (} 1 = \text{بلی، } 0 = \text{خیر)؛}$$

$$\alpha = \text{متوقف سازی؛}$$

$$\beta = \text{ضرایب تخمینی برای هر آیتیم یا طبقه بندی؛}$$

$$\varepsilon = \text{عبارت خطا.}$$

۳-۸- متغیرهای تحقیق و روش محاسبه آنها

متغیر، کمیتی است که در دامنه‌ای معین می‌تواند از یک فرد به فرد دیگر یا از یک مشاهده به مشاهده دیگر مقادیر مختلفی را اختیار کند، بنابراین متغیر چیزی است که تغییر می‌پذیرد. نمادی است که اعداد یا ارزش‌ها به آن منتسب می‌شود، برای مثال X یک متغیر است، یعنی نمادی است که می‌توانیم مقادیر عددی بدان نسبت دهیم. متغیر X می‌تواند، مجموعه قابل توجهی از مقادیر مثلاً نمره-های یک آزمون هوش یا مقیاس طرز نگرش را اختیار کند (خاکی، ۱۳۸۶: ۷۴).

متغیر عبارت است از ماهیتی که ارزش‌های مختلف را قبول کند به سخن دیگر متغیر چیزی است

که تغییر می‌پذیرد (همان منبع: ۷۴)

متغیر وابسته "افشای اطلاعات" می باشد و برای محاسبه متغیر وابسته (افشای اجباری اطلاعات = MFIDIjt) از نسبت اطلاعات افشاء شده به اطلاعاتی که باید افشاء شود، و (افشای اختیاری اطلاعات = DIFIDIjt) از نسبت اطلاعات افشاء شده به اطلاعاتی که می تواند افشاء شود، استفاده خواهد شد.

برای تعیین اطلاعاتی که باید افشاء شود از الگوی برگرفته از مقاله نوشته شده توسط آقایان دکتر ثقفی و دکتر ملکیان در سال ۱۳۷۶ استفاده خواهد شد. همچنین برای محاسبه صورت کسر به صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مراجعه گردیده و مجموع اطلاعات افشاء شده (با توجه به اطلاعاتی که باید افشاء شود) برای هر شرکت نمونه شمارش می گردد. برای محاسبه این متغیر، چک لیستی حاوی دو ستون "اطلاعاتی که باید افشاء شود" و "اطلاعاتی که می تواند افشاء شود" برای هر شرکت تهیه خواهد شد.

متغیر مستقل نیز به قرار زیر است:

متغیر مستقل این تحقیق، ضرایب مالیاتی می باشد که هر ساله توسط کمیسیون تعیین ضرایب مالیاتی برای صاحبان مشاغل (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) بر حسب نوع فعالیت و با توجه به جریان معاملات و اوضاع و احوال اقتصاد تعیین می گردد، در موارد تشخیص علی الرأس (مطابق مقررات مواد ۹۷ و ۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم) و صرفاً در مورد مودیانی که به وظایف قانونی خود عمل نمی نمایند، می بایست مبنای محاسبه و تعیین درآمد مشمول مالیات قرار گیرد.

با توجه به اینکه ضرایب مالیاتی برای تولیدات و خدمات مختلف متفاوت می باشد، و امکان چند فعالیت اقتصادی از یک شرکت وجود دارد، با توجه به میزان فروش یا ارائه خدمات و انواع آن، میانگینی از ضرایب مالیاتی برای هر شرکت تهیه خواهد شد.

جدای از متغیر مستقل و وابسته، بر مبنای تحقیقات پیشین حسابداری، سه متغیر کنترل در تحلیل آماری گنجانده شدند: اندازه شرکت، قدرت نفوذ، حضور در بخش تولید یا خدمات.

تحقیقات پیشین نشان می دهند که شرکت‌های بزرگتر، اطلاعات بیشتری را افشاء می کنند. در این مطالعه اندازه شرکت به صورت لگاریتم طبیعی مجموع داراییها اندازه گیری می شود تا تاثیر داده‌های دارای توزیع چوله در تحلیل آماری کاهش بیابد.

جنسن^۱ و مکلینگ^۲ و همکاران اعلام می‌کنند که شرکت‌های دارای قدرت نفوذ بیشتر، هزینه‌های نظارتی بیشتری را تحمل می‌کنند و در پی کاهش این هزینه‌ها از طریق افشاء اطلاعات بیشتر در گزارشات سالانه هستند.

بر طبق بسیاری از مطالعات پیشین، قدرت نفوذ شرکت و یا بدهی تقسیم بر آورده شرکاء به صورت نسبت کل بدهی‌ها بر کل داراییها محاسبه می‌گردد. قدرت نفوذ در تحلیل آماری به عنوان یک متغیر پیوسته در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که افشاء در گزارشگری شرکتها احتمالاً با طبقه بندی صنعتی بستگی دارد. حضور در گروه تولیدی به عنوان یک متغیر کنترل برای دفاع از امکان وجود اختلاف در افشاء اسناد مالی در بخش تولیدی و خدماتی به کار می‌رود. در این مطالعه شرکت‌های فعال در بخش تولیدی دارای امتیاز یک و در غیر این صورت دارای امتیاز صفر هستند.

۳-۹- جامعه آماری

جامعه بزرگترین مجموعه از موجودات است که در یک زمان معین مطلوب ما قرار می‌گیرد و تعریف جامعه آماری عبارت است از تعدادی از عناصر مطلوب مورد نظر که حداقل دارای یک صفت مشخصه باشند. صفت مشخصه صفتی است که بین همه عناصر جامعه آماری مشترک و متمایز کننده جامعه آماری از سایر جوامع باشد (آذر و مومنی، ۱۳۸۵: ۵).

جامعه آماری تحقیق شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی انجام تحقیق از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ می‌باشد.

۳-۱۰- روش گردآوری اطلاعات

برای انجام تحقیق و نتیجه گیری صحیح از تحقیق، اطلاعات نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق به دو دسته قابل تقسیم می‌باشند:

دسته اول شامل اطلاعات مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات تحقیق می‌باشند که با مطالعه کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های ایرانی و خارجی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای فراهم گردید.

دسته دوم مربوط به اطلاعات مالی مربوط به شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که صورت‌های مالی و گزارش‌های فعالیت هیات مدیره این شرکت‌ها از طریق سایت مدیریت

1. Jensen

2. Meckling

پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار دریافت گردید. این دسته از اطلاعات مالی خود از طرق زیر جهت انجام پژوهش جمع‌آوری گردید:

اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی مانند مجموع کل دارایی‌ها، مجموع کل بدهی‌های کوتاه‌مدت و بدهی‌های بلند مدت، و... از طریق نرم افزار تدبیرپرداز و صحرا نورد و در محیط کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شده است.

۳-۱۱- روش نمونه‌گیری و تعیین اندازه نمونه

صرف‌نظر از اینکه چه روش آماری استنباطی برای تحلیل داده‌ها مورد نظر است، دقت آن بستگی به روش به کارگرفته شده برای انتخاب نمونه دارد. در صورتی که نمونه، نماینده واقعی جامعه نباشد (نمونه دارای اریب باشد)، امکان پیش‌بینی صحیح و دقیق پارامترهای جامعه وجود نخواهد داشت. نمونه‌گیری را می‌توان با بکاربردن روش‌های نمونه‌گیری صحیح و مناسب و در نظر گرفتن مشخصات عناصر (ساختار) جامعه کاهش داد تا نمونه از پایایی لازم برخوردار گردد. برخی روشها که برای نمونه‌گیری بکار می‌رود، عبارتند از: ۱- نمونه‌گیری تصادفی، ۲- نمونه‌گیری منظم، ۳- نمونه‌گیری گروهی، ۴- نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۵- نمونه‌گیری مرحله‌ای (آذر و مومنی، ۱۳۸۵: ۱۷).

به دلیل گسترده بودن جامعه مورد تحقیق، اغلب پژوهشگر، سعی می‌کند که با اضافه کردن شرایطی جامعه مورد تحقیق را محدود کند. از جمله مزیت‌های آن نیز ایجاد امکان و سهولت بیشتر تحقیق و صرفه‌جویی در زمان و هزینه می‌باشد. ولی از سوی دیگر با محدود کردن جامعه (نمونه‌گیری) دغدغه‌های جدیدی برای محقق به وجود می‌آید. اگر چه نمونه‌گیری دارای مزیت‌های فوق باشد ولی می‌تواند باعث کاهش اعتبار بیرونی و ساختاری تحقیق شود و محقق را در راستای امکان تعمیم نتایج حاصله از آزمون بر روی نمونه به جامعه دچار تردید نماید، بدین منظور محقق در نمونه‌گیری خود باید موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

الف) نمونه نماینده واقعی جامعه تحقیق باشد.

ب) نمونه به صورت تصادفی از بین اعضای جامعه انتخاب گردد (پارچینی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

روش نمونه‌گیری در این تحقیق روش حذفی می‌باشد که با عنایت به موارد فوق و همچنین محدودیت نسبی جامعه مورد تحقیق و به منظور افزایش اعتبار تحقیق و کاهش خطای نمونه‌گیری و سایر تبعات نمونه‌گیری در ابتدا، شرکتهای سرمایه‌گذاری از جامعه حذف شده که دلیل این حذف گروه

آنست که طبعاً بازده این صنعت تابعی از بازده سایر شرکتها می‌باشد و منظور نمودن آنها در نمونه موجب می‌شود که بازده شرکت‌های تشکیل دهنده این صنعت به طور مضاعف در روابط منظور شود. در این تحقیق فهرست ۹۹ شرکت فعال معرفی شده و با در نظر گرفتن شرایط ذیل، نمونه مورد نیاز برای انجام تحقیق انتخاب گردیده است:

- ۱- شرکت مورد نظر در دوره مورد تحقیق جزء شرکت‌های فعال در بورس باشد.
- ۲- به جهت همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، دوره مالی آن منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- ۳- شرکت مورد نظر طی دوره تحقیق فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد مطالعه قرار گرفته باشد.
- ۴- به دلیل نوع خاص فعالیت شرکت‌های سرمایه گذاری، شرکت مورد نظر جزء این نوع شرکتها نباشد.

از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شرکت‌هایی که حائز شرایط فوق بودند به تعداد ۹۹ شرکت به عنوان نمونه مورد نیاز برای انجام تحقیق انتخاب گردیدند که به تعداد ۸۴ شرکت تولیدی و ۱۵ شرکت خدماتی تفکیک گردیده‌اند.

۳-۱۲- روش تجزیه و تحلیل داده ها

داده های مورد نیاز برای اندازه گیری متغیرها پس از جمع آوری در یک بانک اطلاعاتی ذخیره شده و با استفاده از نرم افزار Excel محاسبات لازم جهت اندازه گیری متغیرها به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق وارد نرم افزار SPSS شده است. از آنجایی که روش تحقیق همبستگی است، برای آزمون فرضیه‌ها از ضرایب همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده گردیده است.

۳-۱۳- مدل آماری مورد استفاده در تحقیق

۱-۱۶- مدل رگرسیون

۲-۱۶- معادله رگرسیون چند متغیره

۱-۲-۱۶- روش‌های ورود متغیرها در رگرسیون

۳-۱۶- ضریب همبستگی^۱ و ضریب تشخیص^۲

1. Correlation

2. Ratio Distinction

۱۶-۳-۱- روش همبستگی گشتاوری (پیرسون):

۱۶-۴- بررسی فرض نرمال بودن متغیرها

۳- ۱۴- نتایج حاصل از فرضیه‌ها

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه اصلی اول

فرضیه اول اصلی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشای اختیاری و ضرایب مالیاتی وجود ندارد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت متغیرهای مستقل بیشتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه فوق تأیید نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه فرعی اول

فرضیه اول فرعی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکت‌های خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشاء اختیاری و ضرایب مالیاتی وجود ندارد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت متغیرهای مستقل بیشتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه - فوق تأیید نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه فرعی دوم

فرضیه دوم فرعی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اختیاری اطلاعات مالی از سوی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشاء اختیاری و ضرایب مالیاتی از سوی شرکت‌های

تولیدی وجود ندارد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت متغیرهای مستقل بیشتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه فوق تأیید نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه اصلی دوم

فرضیه دوم اصلی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمونها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی، ۰٫۱۴۵ - می باشد که نشان می‌دهد (افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی) بطور منفی همبسته اند. به این صورت که هر چه ضرایب مالیاتی بیشتر باشد میزان افشاء اجباری کمتر می‌باشد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت ضرایب مالیاتی با صفر کوچکتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه فرعی سوم

فرضیه سوم فرعی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمونها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی از سوی شرکتهای خدماتی وجود ندارد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت متغیرهای مستقل بیشتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه فوق تأیید نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری پیرامون فرضیه فرعی چهارم

فرضیه چهارم فرعی این تحقیق به شرح زیر بوده است:

میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آزمونها و تحلیل‌هایی که از راه رگرسیون و همبستگی در فصل چهارم انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که ضرایب همبستگی بین دو متغیر افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی، ۰٫۱۲۱ - می باشد،

که نشان می دهد (افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی) بطور منفی همبسته اند. به این صورت که هر چه ضرایب مالیاتی بیشتر باشد میزان افشاء اجباری کمتر می باشد، آزمون تساوی ضرایب رگرسیون و مقدار ثابت ضرایب مالیاتی با صفر کوچکتر از پنج درصد است. بنابراین فرضیه فوق تأیید می گردد. از رابطه منفی این فرضیه به این نتیجه می رسیم که کاهش ضرایب مالیاتی در بخش تولید منجر به افشاء اجباری بیشتر از سوی شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس گردید.

۴- تجزیه و تحلیل

در دنیای واقعی یک پدیده ممکن است متأثر از عاملها و متغیرهای زیادی قرار گیرد. بخشی از این عاملها برای محقق شناخته شده است و او می تواند تاثیر این عوامل را بر پدیده مورد بررسی تا حدودی مشخص نماید. ولی عاملهای دیگری نیز وجود دارند که یا پژوهشگر از وجود آنها بی اطلاع است و یا اینکه توان تعیین تاثیر آنها بر متغیر وابسته مورد مطالعه را ندارد.

با توجه به فرضیه دوم اصلی (میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد) به این نتیجه رسیدیم که بین افشاء اجباری و ضرایب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. و همچنین با توجه به نتیجه ای که از فرضیه چهارم فرعی بدست آمد به این نتیجه می رسیم که معنا دار بودن فرضیه اول اصلی ناشی از معنادار بودن رابطه میان ضرایب مالیاتی و میزان افشاء اجباری اطلاعات مالی از سوی شرکتهای تولیدی می باشد.

با توجه به نتایج سایر فرضیه ها، لازم است تدوین کنندگان استانداردها و نهادهای ناظر بر فعالیت شرکتهای توجه بیشتری بر گزارشگری این نوع شرکتهای داشته باشند.

۵- پیشنهادها

پیشنهادهای کاربردی ناشی از نتایج تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- ۱- سیاست گذاری مقامات مسئول در مورد تعیین ضرایب مالیاتی با توجه به نتایج تحقیق انجام شده به منظور رشد اقتصادی کشور
- ۲- دولت از طریق سازمان امور مالیاتی کشور عموماً می تواند با کاهش در ضرایب مالیاتی در شرکتهای تولیدی پذیرفته شده در بورس باعث ایجاد مکانیزمی شود که نسبت به تعیین درآمد مشمول

مالیات واقعی و مالیات عادلانه مودی از طریق تحقیق و رسیدگی اتخاذ تصمیم شود، همچنین مودی را بیشتر به ارائه دفاتر و اسناد و مدارک جهت رسیدگی متمایل سازد.

۳- استفاده از نتایج آن در برنامه ریزی و سیاست گذاری سازمان امور مالیاتی کشور در جهت ارائه امتیازاتی (کاهش ضریب مالیاتی) برای شرکتهای پذیرفته شده در بورس جهت تشویق سایر شرکتهای جهت عضویت در بورس، که جهت بهبود روشهای شناسایی و وصول درآمدهای مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- با توجه به نتایج سایر فرضیهها، لازم است تدوین کنندگان استانداردها و نهادهای ناظر بر فعالیت شرکتهای توجه بیشتری بر گزارشگری این نوع شرکتهای داشته باشند.

پیشنهادهایی برای تحقیقهای آتی

- ۱- بررسی اثرات دیگر مادههای قوانین مالیاتی بر میزان افشاء گزارشگریهای مالی
- ۲- بررسی ضرایب مالیاتی به تفکیک نوع صنعت (صنایع داروسازی، خودرو سازی،...) در افشاء گزارشگریهای مالی
- ۳- بررسی ضرایب مالیاتی به تفکیک نوع صنعت در میزان ارائه دفاتر و اسناد و مدارک حسابداری شرکتهای خارج از بورس به ادارات مالیاتی
- ۴- بررسی نسبت پروندههای علی الراس شده مالیاتی به سایر پروندهها با توجه به ضرایب مالیاتی
- ۵- بررسی ضرایب مالیاتی و مقایسه بین دو جامعه (شرکتهای تولیدی با شرکتهای خدماتی)

فهرست منابع

- ۱- آذر، ع و منصور مومنی (۱۳۸۵)، "آمار و کاربرد آن در مدیریت"، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- احمد پور، م. (۱۳۷۴)، "فقط یک قلم هشتصد و چهل میلیارد تومان"، روزنامه همشهری، شماره ۸۸.
- ۳- احمدپور، ا. (۱۳۸۸)، "علل علی‌الراس شدن درآمد مشمول مالیات شرکتهای پیمانکاری"، مجموعه مقالات دومین همایش سیاستهای مالی و مالیاتی ایران، ص ۷۱۴-۷۲۵.
- ۴- بابازاده، ج. (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و افشاء داوطلبانه"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اراک.
- ۵- پارچینی (۱۳۸۸)، "رابطه بین افشاء اطلاعات اختیاری و اعضای غیر مؤلف هیات مدیره"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازنداران، دانشکده علوم و اقتصاد و دارایی.
- ۶- پژوهیان، ج. (۱۳۷۲)، "بررسی اقتصاد مالیات بر شرکتهای در تهران"، معاونت امور اقتصاد و دارایی.
- ۷- حجتی پور، ا. و محمد جواد محمودی (۱۳۸۵)، "بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی واحدهای مشاغل شرق تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز.
- ۸- خاکی، غ.ر. (۱۳۷۸)، "روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی"، مرکز تحقیقات علمی کشور با همکاری کانون فرهنگی، انتشارات درایت.
- ۹- خاکی، غ.ر. (۱۳۸۷)، "روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی"، انتشارات بازتاب، چاپ سوم.
- ۱۰- خورشیدی، ع.، و حمید قریشی (۱۳۸۱)، "راهنمای تدوین رساله و پایان‌نامه تحصیلی از نظریه تا عمل"، انتشارات سیطرون.
- ۱۱- دستگیر، م. و حمیدرضا بزاز زاده (۱۳۸۲)، "تاثیر میزان افشاء بر هزینه‌های مالی"، تحقیقات مالی، شماره ۱۶، ص ۱۰۳-۸۳.
- ۱۲- دلاور، ع. (۱۳۸۸)، "روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی"، چاپ بیست و هشتم، نشر ویرایش.
- ۱۳- رزاقی، م. (۱۳۸۸)، "جزوه مبانی مالیات"، دانشکده امور اقتصاد و دارایی.
- ۱۴- ریاحی بلکویی، ا. و علی پاریسیان (۱۳۸۱)، "تئوری‌های حسابداری"، چاپ اول، دفتر پژوهش فرهنگی.

- ۱۵- سازمان بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۸۰)، "آئین نامه حاکمیت شرکتی".
- ۱۶- شریفی، م. (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر نرخهای مالیاتی بر درآمدهای مالیاتی دولت در ایران طی سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۸۷"، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اراک.
- ۱۷- شیخی، ک. (۱۳۸۷)، "بررسی رابطه افشاء اطلاعات بودجه‌ای و نوسان قیمت سهام"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۸- علی‌پور، م. (۱۳۸۸)، "بررسی تاثیر ماده ۱۰۵ قانون مالیات مستقیم بر سیاست توزیع سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اراک.
- ۱۹- فرهودی، ق.، و مجید زنجیردار (۱۳۸۸)، "بررسی نقش مولفه‌های فرهنگی شغلی بر تمکین مالیاتی صاحبان مشاغل موضوع بند الف ماده ۹۵ ق.م.م" پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اراک.
- ۲۰- قاسم پناهی، م. (۱۳۸۸)، "قانون مالیاتهای مستقیم"، تهران، انتشارات بلاغ دانش.
- ۲۱- کوزه‌گر کالجی، ع. و ابوالقاسم اثنی عشری (۱۳۸۳)، "بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه میزان مالیاتی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر.
- ۲۲- مقیمی‌نیا، ع. (۱۳۸۷)، "طراحی و راهکاری مناسب جهت تعیین و محاسبه ضرایب مالیات بر مشاغل"، فصلنامه تخصصی مالیات، زمستان، شماره ۵۱، ص ۹-۳۸.
- ۲۳- موسی زاده، ر. (۱۳۸۵)، "مالیه عمومی"، چاپ اول، نشر میزان.
- ۲۴- مهندسی، ا. و مهدی تقوی (۱۳۷۲)، "مالیه عمومی"، انتشارات فروردین.
- ۲۵- نبوی، ب. (۱۳۷۵)، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی"، چاپ هفدهم، انتشارات آبان.
- ۲۶- ولک، داد و ترنی، ترجمه علی پارسائیان (۱۳۸۷)، "تئوری حسابداری"، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات ترمه.
- ۲۷- هندریکسن، ا. و بردامایکل اف (۱۳۸۵)، ترجمه علی پارسائیان، "تئوری حسابداری"، انتشارات ترمه.

28. Akhtarudidin, M, and Alam Hossain, M. and Yao. L. ,(2009),” Corporate Governance and voluntary disclosure in corporate annual reports of Malaysian listed firms”, *Jamar*, Vol.7, No.1-19
29. Chalmers, K. ,(2001),”The progression from voluntary to mandatory derivative instrument disclosures – looks who talking”. *Australian . Accounting Review*, 11(1), 34–45.
30. Chalmers, K., & Godfrey, J. M. ,(2004),” Reputation costs: The impetus for discretionary derivative financial instrument reporting”. *Accounting, Organizations and Society*, 29, 95–125.
31. Chen, b.l, (2003),”tax evasion in model of endogenous growth”, *review of economic dynamics*, vol.13, no1, pp381-403.
32. Cheng, Eugene C.M. and Courtenay Stephen M., (2006), “ board composition regulatory regime and voluntary disclosure”, *the international journal of accounting*, vol.41, no.3, pp.262-289
33. Chow, C.W. and Wong Boren, A., (1987), “ voluntary financial disclosure by Mexican corporation”, *the accounting review*, vol.LXII, no.3, pp.533-541
34. Cummings, r, Jorge Martinez, Michel Mckee, Benno Torgler, (2005), “Efect of Tax Morale on Tax Morale on Tax Compliance”, *Experimental and Survey Evidence*, October 2005, 2
35. Dyreng, S., Hanlon, M., & Maydew, E. ,(2007), “Long-run corporate tax avoidance”, *the accounting review*, vol.83, no1, pp.61-82
36. Frank, M.M., Lynch, J.L, & Rego, S.O.,(2009),”Are financial and tax reporting aggressiveness reflective of broader corporate policies”, *the accounting review*, 84(2).
37. Gereald, k. Chau Sidney J.Gray,(2002),”ownership structure and corporate voluntary disclosure in Hong Kong and Singapore, *the international journal of accounting*”, Vol.37, No.2, pp.247-265
38. Henrik, h, Sveerker, g., Katarina, n.,(2009),”perceived tax evasion and the importance of trust”, *the journal of Socio-*

Economic, vol.5, nol.pp238-245

39. Jordi ,C., Judith, P, (2004),”inflation,tax evasion, and the distribution of consumption” review of economic and statistical , no4.122.pp567-595

40. Linsley , P.M., & Shrivies, P.J. ,(2006),”Risk reporting : A study af risk disclosures in the annual reports of UK companies”. The British accounting review,38 (1), pp.387-404

41. Mallin, C., Dunne, T., Helliard, C., & Ow-Young, K.,(2004),”FRS 13 and corporate governance –Afund management perspective” . Qualitative Research in Accounting and Management, 1(2),PP.17-53

42. Malone, D., Fries, C., & Jones, Y. ,(1993),” An empirical investigation of the extent of corporate financial disclosure in the oil and gas industry”. Journal of Accounting, Auditing and Finance, 8(3), 249–273.

43. Martti, v., (2003),”tax evasion and the psychology of the social contract”, journal of Economic and Business ,vol.10, nol.pp111-125

44. Taylor.G, Tower.G, Van Der Zahn.M ,(2010),” The influence of international taxation structures on corporate financial disclosure patterns”. ELSEVIER ACCFOR-182; No. of Pages 15.

